سهم ایران از شامِ پسااسد

ادامه از صفحه ۲

روند آستانه از این عملیات غافل ماند، حتی روسیه هم غافل ماند. مسائل داخلی، بی‌توجهی به آرای مردم و سرکوب‌ها همه سر جای خودشان هستند، اما میخ آخر بر تابوت حاکمیت بشار اسد با اقدامات پشت پرده امنیتی-اطلاعاتی این کشورها زده شد.

جناب ملکی، می‌خواهم بپرسم که ایران در آن مقطع از طرف حکومت اسد، از طرف کشورهای عربی، از طرف اسرائیل، روسیه، آمریکا و ترکیه دور خورد و به نقطه‌ای رسید که گویا خود جمهوری اسلامی ایران هم دیگر تمایلی به حفظ حکومت اسد نداشت؟

صادق ملکی: آستانه اساسا یک بازی بود که ما در آن بازیگر فرعی بودیم. این روند در عمل فرصت طلایی برای بازسازی قدرت نظامی-امنیتی ترکیه در شمال سوریه ایجاد کرد. ما یا غفلت کردیم یا بیش از حد خوش‌بین بودیم. در جلسات بعدی آستانه حتی گاهی کاملا دوجانبه (روسیه-ترکیه) شد و نشست‌ها در استانبول برگزار می‌شد؛ عملا ما کنار گذاشته شدیم. ترکیه بازیگری حرفه‌ای است؛ هم از پشتیبانی بین‌المللی برخوردار است، هم منطقه‌ای و هم سیستم برنامه‌ریزی چندلایه دارد. ما این امکانات را نداشتیم و غفلت کردیم. حتی روابط حسنه جغرافیایی و تاریخی با ترکیه باعث شد برخی سیاست‌مداران ما با نگاه بیش از حد خوش‌بینانه عمل کنند. ترکیه در بهترین حالت رقیب ماست؛ در سوریه این رقابت به تنش، چالش و جنگ کشیده شد. ما این را رسانه‌ای نکردیم، اما ترکیه علنا حزب‌الله را «حزب شیطان» می‌نامید. باید به خودمان نگاه کنیم و جسارت پذیرش شکست را داشته باشیم؛ اگر این جسارت نباشد، شکست‌های بزرگ‌تری در عراق و لبنان تکرار خواهد شد.

اگر خوش‌بینی وجود داشت، چرا در ماه‌های منتهی به سقوط، اخباری منتشر شد که خود حکومت اسد به بنگاه‌های معاملات ملکی دستور داده بود حتی یک خانه هم به مستشاران ایرانی فروخته نشود؟ این نشان‌دهنده بدبینی شدید اسد به ایران نبود؟ پس چرا ما هشدارها را ندیدیم و همچنان خوش‌بین ماندیم؟

صادق ملکی: ما اصولا به روایت‌های خوش‌بینانه اعتقاد داریم و تاریخ درخشان‌مان باعث می‌شود بسیاری از نقص‌ها را نبینیم. جسارت پذیرش شکست را نداریم. اگر این جسارت را پیدا کنیم، می‌توانیم تغییر ایجاد کنیم؛ در غیر این صورت شکست‌ها در ابعاد بزرگ‌تر تکرار می‌شوند. ما فکر می‌کردیم شرایط ۱۱، ۱۲ سال پیش همچنان پابرجاست و روابط دوجانبه با ترکیه و روسیه منافعمان را تضمین می‌کند، در حالی که در جنگ، منافع بر اساس ظرفیت واقعی تعریف می‌شود. ترکیه و روسیه در همان دوره آستانه و پس از آن برای خودشان ظرفیت‌سازی کردند؛ ما نه‌تنها ظرفیت‌سازی نکردیم، بلکه عرصه را برای خودمان تنگ‌تر کردیم. نتیجه‌اش همین است که امروز در سوریه، لبنان و فردا در عراق با آن مواجه خواهیم شد.

جناب ایرانی، یک نکته خیلی مهم گفتید که برخی اخبار می‌تواند آن را نقض کند. احمد الشرع در مصاحبه‌ای گفته بود ما با هماهنگی کامل روسیه وارد جنگ و تغییر علیه حکومت اسد شدیم. همچنین بشار اسد می‌دانست کجا پناهنده شود. آیا این تحلیل شما را زیر سؤال نمی‌برد که روسیه شاید از ابتدا می‌دانست و در روزهای آخر فقط پذیرفت که دیگر نمی‌تواند جلوی سقوط را بگیرد؟

محمد ایرانی: من همچنان معتقد هستم که روسیه همواره اولویت را بر حفظ منافع خود و تداوم حکومت اسد گذاشت و زمانی که معارضان پیشروی کردند، بدون درگیری و تا آخرین لحظه بدون اعلام موضع، هوشمندانه همراه شد. امروز نیز روسیه بلافاصله با حکومت جدید همکاری کرده، دیدارهای رسمی انجام داده و پایگاه‌هایش در طرطوس و حمیمیم را حفظ کرده، در حالی که ایران به منفورترین بازیگر در سوریه تبدیل شده است. نفوذ روسیه در ساختار سیاسی و امنیتی سوریه عمیق بود و حتی انتخاب برخی وزرا بدون نظر مسکو ممکن نبود، اما ایران با وجود هزینه‌های سنگین، نفوذ ساختاری نداشت. در بمباران‌های گسترده علیه غیرنظامیان، نقش اصلی با نیروی هوایی و تسلیحات روسیه بود، هرچند نیروهای وابسته به ایران تلاش می‌کردند از مناطق پرخطر برای مردم دور بمانند. اما در بازی بزرگ قدرت‌ها، این تفاوت‌های جزئی اهمیتی ندارد و آنچه تعیین‌کننده است، صحنه‌خوانی دقیق است. اسرائیل حضور و حملات خود را گسترش داده و بارها کنسولگری و پایگاه‌های ایران را هدف قرار داده، بدون آنکه روسیه واکنش یا حتی اطلاع‌رسانی حداقلی داشته باشد. روسیه آینده‌نگرانه منافع بلندمدت خود را دنبال می‌کند، اما ایران بر روابط و ساختارهای قدیمی‌ای تکیه کرده که گمان می‌رفت پایدارند. نتیجه آنکه نیاز به تعدیل سیاست‌ها و بازنگری جدی وجود داشته، اما این تغییرات نادیده گرفته شده است؛ ضرورتی که اکنون بیش از هر زمان مطرح است.

جناب ملکی، بیایید وارد همین قضیه سوریه پسااسد بشویم. نکته خیلی مهمی وجود دارد که می‌دانم محل اختلاف من و شما خواهد بود. احمد الشرع یک دوره یک‌ساله وارد مدیریت سوریه شده، الان رئیس‌جمهور موقت است، با حمایت ترکیه، کشورهای عربی، کاهش تنش با اروپا و آمریکا، خروج تدریجی از لیست تحریم‌ها و کنارگذاشتن قانون سزار، تصور عمومی این بود که سوریه دارد به ثبات نسبی می‌رسد. اما معارضه علوی‌ها، معادلات سویدا و دروزی‌ها و تنش با کردها سر جایش است و نزدیک به ۸۰۰ کیلومتر از خاک سوریه هنوز تحت اشغال اسرائیل است. واقعا احمد الشرع چرا در این یک سال، با وجود حمایت ترکیه، کشورهای عربی، اروپا، آمریکا و حتی ترامپ، نتوانست سوریه را به ساحل امن برساند؟

صادق ملکی: این یک فرایند طولانی است. مثلا در مسئله کردها هنوز مشکل اساسی وجود دارد؛ چندین دور مذاکره انجام شده، کردها می‌خواهند به صورت بلوک و سازمان‌یافته در ارتش ادغام شوند، احمد الشرع تا حدی پذیرفته بود، اما ترکیه به‌شدت مخالف است و تأکید دارد ادغام باید به صورت فردی باشد. این اختلاف می‌تواند دوباره به درگیری مسلحانه منجر شود و کل پروسه را طولانی‌تر کند. در مورد علوی‌ها هم وضعیت مشابه است؛ ترکیه با آنها مسئله دارد، اما اسرائیل ممکن است نگاهی مثبت به علوی‌ها به عنوان یک اقلیت غیرسنی داشته باشد و حتی روی آنها سرمایه‌گذاری کند.

اتفاقا اخبار حاکی از آن است که پسرعموی بشار اسد در حال جمع‌آوری حدود ۵۰ هزار نیروی وفادار به خانواده اسد است و اتاق جنگ خود را از روسیه هدایت می‌کند...

صادق ملکی: این نیروها می‌توانند امنیت و ثبات را مقطعی به هم بزنند، اما بازگشت کامل علوی‌ها به قدرت بعید است؛ چون شرایط منطقه‌ای، به‌ویژه موافقت ضمنی آمریکا و روسیه، اجازه چنین تحولی را نمی‌دهد. ماندگاری پایگاه طرطوس روسیه هم بدون چراغ سبز آمریکا ممکن نبود. در مجموع، تحولات سوریه را آمریکایی‌ها معماری و جمع‌بندی می‌کنند؛ روسیه هم با آنها کنار آمده است. ما اکنون از موضع آفندی به پدافندی کامل افتاده‌ایم؛ نه در سوریه، نه در لبنان و نه در عراق دیگر بازیگر مؤثر نیستیم.

ولی جناب ملکی، سؤال خیلی مهم‌تری وجود دارد؛ احمد الشرع، چه به خواسته خودش و چه ناخواسته و با سفارش ترکیه و کشورهای عربی، دارد به سمت عادی‌سازی روابط با اسرائیل و پیوستن به پیمان ابراهیم می‌رود. آیا این مسیر می‌تواند دو تضمین بدهد؛ اول اینکه سرزمین‌های اشغالی را از اسرائیل پس بگیرد، دوم اینکه دیگر واقعا تهدیدی از جانب اسرائیل نداشته باشد؟ چون اگر نگاه راهبردی کنیم، بسیاری معتقدند اسرائیل با توجه به عقبه ترکیه و ساختار ایدئولوژیک احمد الشرع، این حکومت را نمی‌پذیرد و مناطق اشغالی را به عنوان منطقه حائل حفظ خواهد کرد و اجازه نخواهد داد دولت احمد الشرع به ثبات نسبی برسد؟

صادق ملکی: احمد الشرع در کوتاه‌مدت قطعا کوتاه خواهد آمد. او در حال حاضر از «الجولانی» دارد به «احمد الشرع» تبدیل می‌شود؛ یعنی تمرین می‌کند که یک حاکم عمل‌گرا و محتاط باشد. به همین دلیل در کوتاه‌مدت با دروزی‌ها درگیری نخواهد داشت، مناطق حائل اعلام‌شده توسط اسرائیل را به رسمیت خواهد شناخت و اولویت اصلی‌اش تثبیت قدرت داخلی و حل مسئله کردها خواهد بود، نه رویارویی با اسرائیل.

اتفاقا خیلی‌ها می‌گویند دعوت از مظلوم کوبانی و مذاکره با عبدالله اوجالان هم دقیقا در همین راستا بوده است.

صادق ملکی: بله، بیشترین مسئله برای آنها کردهاست؛ زیرا مهم‌ترین چالش یا حتی جنگ کردها در منطقه با ترک‌ها بوده است. ترکیه واقعا در مقطعی بیشتر با جنگ داخلی مواجه بود. حالا پروسه‌ای که با اوجالان شروع کردند، با پ‌ک‌ک شروع کردند، خلاصه صلح آنجا، آنها را پیوند بدهید با بارزانی. حتی با شمال عراق پیوند دهید. می‌بینید که هم اولویت اول اردوغان و هم احمد الشرع فرقی نمی‌کند؛ اولویت‌شان مسئله کردهاست. اگر بتوانند مسئله کردها را بدون جنگ حل کنند، آن ثبات نسبی که مدنظر شماست ایجاد می‌شود. بله، هر موقع حکومت مرکزی ضعیف شود، در کشورهایی که بافت چندقومی و چندمذهبی دارند، جرقه‌ها بیدار خواهد شد. اما کل منطقه دنبال ثبات است. حتی در رابطه با ما، اگر عربستان یا ترکیه نقش میانجی یا پیام‌رسان ایفا می‌کنند، بخشی از آن برای ایجاد ثبات است. قدرت‌های بین‌المللی مثل آمریکا و روسیه هم دنبال همین هستند. من در کوتاه‌مدت می‌گویم شاید تحولاتی شود، ولی در بلندمدت سوریه به سوی ثبات خواهد رفت.

جناب ایرانی، سؤال خیلی مهمی وجود دارد. خودتان دیپلمات بودید، سوریه را هم دیده‌اید و به قول خودتان با بشار اسد هم دیدار داشتید. ما الان در سوریه پسااسد قرار داریم. جمهوری اسلامی ایران الان در چه وضعیت دیپلماتیکی از حکومت احمد الشرع قرار دارد؟ آیا حسین اکبری الان کماکان سفیر ما در سوریه است؟ ما الان سفارتخانه داریم؟ روابط الان حکومت احمد الشرع را به رسمیت می‌شناسیم؟ الان چه قرائت دیپلماتیکی روابط ما با دمشق دارد؟

محمد ایرانی: من به نکته‌ای اشاره کنم قبل از اینکه وارد این بحث بشوم. صحبت از تشکل نظامی بود که توسط خاندان اسد برای بازگشت به قدرت شکل می‌گیرد. ببینید، قبل از هر چیز، نیروهای مخالف اگر بخواهند وارد پروسه درگیری با نظام حاکم شوند، نیاز به سرزمین دارند؛ نیاز به منطقه جغرافیایی برای حضور، مرز مشترک و مانند آن دارند که فعلا هیچ‌کدام از کشورهای همسایه جایگاهی برای معارضان احمد الشرع در قالب علوی‌ها یا هر مخالف دیگری قائل نیستند. بنابراین نمی‌دانم چقدر این خبر صحت دارد، چقدر توهم است و چقدر اجرائی می‌تواند باشد، ولی به نظرم اقداماتی که انجام می‌شود به دلیل ارتباطات سرزمینی گسترده با مبارزان بوده که سال‌ها با هم کار می‌کردند، آموزش می‌دیدند و خانواده‌ها پناه داده شده بودند. در رابطه با وضعیت فعلی سوریه خیلی بحث است. اولا درخصوص مدیریت داخلی سوریه، نشانه‌هایی از اقتدارگرایی در داخل سوریه دیده می‌شود. به هر حال در این فاصله یک سالی که گذشت، دامنه اعتراضاتی داشتیم و حاکمیت و نیروهای امنیتی میخ محکمی را در آنجا کوبیدند؛ چه در رابطه با مسئله سویدا و درگیری‌ها و اعتراضاتی که دروزی‌ها دارند و دامنه‌دار است و چه همراهان قبلی آقای احمد الشرع که امروز جایگاهی در نظام حاکمیتی ندارند و اعتراض می‌کنند. حتی در دمشق تظاهراتی وجود داشته که الان در شرایط فعلی از حربه درگیری و سرکوب استفاده می‌شود. قوانینی که الان آنجا نیم‌بند تصویب و اجرا می‌شود و اینکه کمیته‌های محلی با اختیارات گسترده شکل می‌گیرد، اینها یک‌سری نارضایتی‌ها ایجاد کرده است. بااین‌حال، به نظر می‌آید احمد الشرع بیشتر از اینکه بخواهد مشغول مسائل داخل باشد، تلاش می‌کند سوریه را از انزوای چندین دهه‌ای خارج کند. دلیل آن را دقیقا نمی‌دانم، شاید کسانی که در میدان هستند، بتوانند این را تحلیل کنند و شاید احساس می‌کند اگر از بیرون پشتوانه‌اش خیلی قوی شود، می‌تواند بر مشکلات داخلی تفوق پیدا کند.

جناب ایرانی، انتخاباتی که برگزار شد، عین همان انتخابات دوره اسد، الان زیر سؤال است. در دوره...

محمد ایرانی: بله، ببینید، آمدند ۲۱۰ نفر را انتخاب کنند که ۷۰ نفر را خود حاکمیت انتخاب کرده، ۱۴۰ نفر دیگر را کمیته‌هایی انتخاب کرده‌اند که مردم در آن رأی نداده‌اند. این شیوه، سروصداهای زیادی ایجاد کرده است. البته برخی حامیان وضعیت فعلی می‌گویند یک سال فرصت بسیار کمی است، دوره گذار است، صبر کنید، بالاخره به سمتی خواهد رفت. اما آنچه مسلم است، اخباری که درباره احمد الشرع می‌شنویم نشان می‌دهد فعالیت بیرونی او بسیار بیشتر از فعالیت داخلی است. در بیرون، روابطش را با کشورهای عربی ترمیم کرد، سراغ اروپا رفت و دو بار تاکنون با آقای ترامپ ملاقات کرده است که یکی از آنها در عربستان سعودی بود. می‌توان این برداشت را داشت که عربستان نقشی کلیدی در نزدیک‌کردن احمد الشرع به ترامپ و آمریکایی‌ها دارد و حتی توصیه‌های اخیر ترامپ هم با میانجیگری عربستان بوده است. عربستان سرمایه‌گذاری‌های سنگینی انجام می‌دهد و معتقد است احمد الشرع در حال حاضر بهترین مهره موجود در سوریه است. نتیجه این تلاش‌ها، لغو قانون قیصر (سزار) بود. در نتیجه واقعیت صحنه این است که احمد الشرع به هر قیمتی تلاش می‌کند سوریه را از انزوای چندین دهه‌ای خارج کرده و آن را در جریان تحولات منطقه ادغام کند.

اتفاقا جناب ایرانی، سؤال همین‌جاست که در روابط با اروپا، روابط با آمریکا، روابط با کشورهای عربی و حتی خروج از فهرست گروه‌های تروریستی و لغو قانون قیصر، چرا هیچ‌کدام تضمینی برای اسرائیل نشده که یک نوع آرامشی پیدا کند نسبت به حکومت احمد الشرع؟ چرا هنوز به چشم ابومحمد جولانی به او نگاه می‌کند، نه احمد الشرع؟

محمد ایرانی: چون یک اختلاف ریشه‌ای بین نگاه آمریکایی و اسرائیلی در رابطه با سوریه وجود دارد. نگاه اسرائیلی به سوریه (و به‌طور کلی به همه همسایگان) کاملا امنیتی است و با همه همسایگان مشترک است. در راهبرد امنیتی اسرائیل، «همسایه دوست» وجود ندارد؛ حتی با کشورهایی که قرارداد صلح امضا کرده‌اند. اسرائیل با کسی تعارف ندارد. از نظر اسرائیل هر نیروی نظامی، حتی ضعیف، تهدید بالقوه است و باید همین امروز خلع سلاح شود. اختلاف آمریکا و اسرائیل همین‌جاست که آمریکا دنبال حفظ آرامش و ثبات در سوریه است تا فضا برای نیروهای مقاومتی و ضداسرائیلی فراهم نشود و زمینه پیوستن سوریه به پیمان ابراهیم مهیا شود؛ اما اسرائیل می‌گوید بهترین دوست ما کسی است که قرارداد ببندد و دستش بالا باشد. اسرائیل این حوزه امنیتی را از مرزهای خودش گسترش داده و حالا به ایران رسیده است. اسرائیل برنامه بسیار بلندمدتی برای منطقه دارد. این اختلاف آمریکا و اسرائیل شاید چندان علنی نشود (آمریکایی‌ها هم مصلحت نمی‌بینند) ولی وجود دارد. به همین دلیل احمد الشرع از آمریکایی‌ها قول گرفته حملات اسرائیل محدود شود و حتی اعلام کرده آماده مذاکره مستقیم با اسرائیل است؛ اما اسرائیل راه خودش را می‌رود.

سؤال آخر را بپرسیم. اولا واقعا الان قرائت دیپلماتیک ایران از حکومت احمد الشرع چیست و ایران چه باید بکند؟

محمد ایرانی: ما اکنون در سوریه حضور مؤثری نداریم. پیشنهادم همیشه این بوده که هرچه سریع‌تر روابط را با واقعیت موجود احیا کنیم؛ نه لزوما در سطح گذشته، بلکه حداقل در سطحی که منافع ایرانیان مقیم، شرکت‌ها، اماکن متبرکه و بدهی‌های گذشته حفظ شود. سوریه برای ایران مهم است؛ چه با اسد و چه بدون او. درگیری یا تقابل به ضرر ماست. روسیه با پذیرش واقعیت موجود، منافع خود را حفظ کرد؛ ما هم باید همین کار را بکنیم.

در سطح سفیر؟

محمد ایرانی: در هر سطحی که طرف مقابل بپذیرد؛ اصل، احیای رابطه است.

احمد شرع چندین بار گفته این قطع روابط ما با ایران تا ابد نخواهد بود... .

محمد ایرانی: درست. اول باید در داخل به این جمع‌بندی برسیم که واقعیت جدید را می‌پذیریم یا همچنان تقابل می‌خواهیم. من و بسیاری از دیپلمات‌ها معتقدیم باید با واقعیت موجود کار کنیم؛ این به نفع منافع ملی ماست.

جناب ایرانی، آقای فلاحت‌پیشه بارها در مورد آن قضیه بدهی ۳۰ میلیارد دلاری حرف زد. تعیین تکلیف آن قراردادهایی که قبلا در دوره بشار اسد داشتیم و اینکه خود پارلمان بشار اسد هم پذیرفته این ۳۰ میلیارد دلار را خواهد داد؟ مناسبات ما به کجا می‌رسد؟

محمد ایرانی: رقم دقیق را نمی‌دانم، اما سوریه هیچ‌گاه توان پرداخت مستقیم نداشت. وصول این مطالبات فقط در سایه روابط دوجانبه ممکن است؛ درگیری چیزی نصیب ما نمی‌کند. ترکیه هم می‌تواند میانجی باشد. نباید سوریه را میدان رقابت کنیم، بلکه باید با پذیرش واقعیت موجود، روابط را احیا کنیم.

الجولانی پوست‌اندازی می‌کند یا نمایش پوست‌اندازی دارد؟

صادق ملکی: این پوست‌اندازی واقعی است؛ او خود را با شرایط موجود تطبیق داد. آمریکا هم از همه «تروریست‌ها» (از نگاه خودش) استفاده می‌کند وقتی با منافعش سازگار باشد. ما باید شرایط را درک کرده و جسارت تغییر در خودمان ایجاد کنیم؛ در غیر این صورت بستر برای ما بسته می‌ماند. در خاورمیانه، تلورانس بسیار ناگهانی است؛ یک سال پیش این فرد کجا بود و امروز کجاست؟ ما هم باید همین مسیر را طی کنیم. برجام کی بحثش بود؟ از مذاکرات عمان کی؟ آقای روحانی گفت باید با کدخدا ببندی، مگر نگفت؟ برجام به نظر شما یک پروژه بود یا یک روند؟

یک روند بود... .

صادق ملکی: ولی ما آن را به پروژه تبدیل کردیم و به همین دلیل شکست خورد. تغییر در ما هم باید یک روند باشد، نه یک پروژه محدود به جولانی یا سوریه. این تغییر باید در کل سیاست‌ها و راهبردهای نظام رخ دهد و رأس آن، به نظر من، تنظیم رابطه با آمریکاست. اگر بتوانیم با آمریکا، چه در سطح منطقه‌ای و چه دوجانبه، براساس ظرفیت واقعی خودمان و منطق برد-برد مذاکره کنیم (نه اینکه تصور کنیم می‌توانیم ۵۰ درصد بگیریم و ۵۰ درصد بدهیم)، آمریکا هم به ما به اندازه ظرفیت‌مان فضا خواهد داد. آمریکایی‌ها در منطقه دنبال قدرت بلامنازع ترکیه یا عربستان نیستند؛ اگر ما با آمریکا به توافقی برسیم، خودشان کمک می‌کنند در سوریه، لبنان و عراق حضور داشته باشیم. اصل سیاست آمریکا در خاورمیانه، ایجاد توازن است؛ چون برخلاف شرق آسیا که چین قدرت تمام‌کننده است، اینجا قدرت تمام‌کننده‌ای وجود ندارد. وقتی با آمریکا ببندیم، توازن به نفع حضور ایران شکل می‌گیرد.

نکته‌ای که گفتید از این بابت زیر سؤال است که ما در برهه‌ای با اسد بسته بودیم، ولی مناسبات اقتصادی و تجاری ما را نگاه کنید در آن برهه؛ یعنی ما حقیقتا هر وقت رفتیم در کشوری اسکان پیدا کردیم، برایش هزینه دادیم، اما بعدها نتوانستیم بهره‌برداری کنیم.

صادق ملکی: مسئله همین است. این الگو باید تغییر کند. ما هنوز عمق شکست در سوریه و لبنان را نپذیرفته‌ایم؛ در عراق هم فردا همین خواهد شد، اگر همین مسیر را ادامه دهیم.

به این شکلی که شما می‌گویید، مثلا آقای فیدان را می‌بینیم که الان خودش می‌شود مهندس معادلات سوریه و عراقچی که در رستوران شاورما می‌خورد؛ یعنی اصلا معادلاتی که تعریف شده از اساس مشکل دارد؟

صادق ملکی: اینها لایه‌های پنهان دیپلماسی است. فیدان هم دیپلمات است و هم چهره امنیتی؛ امروز از طرف آمریکا و بن‌سلمان پیام می‌آورد و نقش میانجی را ایفا می‌کند. چرا سیاست ما باید به جایی برسد که رقبای اصلی‌مان (ترکیه و عربستان) برای ما میانجی شوند؟ ما در یمن با عربستان می‌جنگیم، در سوریه با ترکیه جنگیدیم. وقتی نتوانیم توازن را در سطح بین‌المللی و با منطق منافع و ظرفیت واقعی برقرار کنیم، در دنیایی که حتی روسیه و چین هم دنبال آمریکا هستند، اینها در مسائل کلان ما را خواهند فروخت؛ همان‌طورکه روسیه در سوریه ما را فروخت. ما باید تغییر کنیم. اگر تغییر کنیم و همان‌طورکه آقای روحانی گفت «با کدخدا ببندیم»، همه چیز خودبه‌خود تنظیم می‌شود. در برجام وقتی ظریف با جان کری قدم می‌زد، تیتر اول روزنامه‌های ترکیه بود؛ چون موقعیت ایران ارتقا یافته بود. در دولت خاتمی هم همین‌طور بود. وقتی تابوها را می‌شکنید و سیاست را نرمال می‌کنید، کل منطقه تنظیم می‌شود؛ ترکیه، عربستان و حتی احمد الشرع دنبال رابطه با شما خواهند آمد. دشمن و دوست دائمی نداریم. ترکیه در جنگ استقلال، با آمریکا، یونان و روسیه جنگید، فاجعه‌ای که روسیه سرش آورد بی‌سابقه بود، اما امروز روابط‌شان در چه سطحی است؟ اگر ما روابط خود را در سطح کلان با آمریکا تنظیم کنیم و مذاکره مستقیم انجام دهیم، آنها هم ایران را به‌عنوان یک قدرت بزرگ می‌پذیرند (علنا می‌گویند دنبال تغییر رژیم نیستیم). در این صورت در سوریه، لبنان و عراق حضور خواهیم داشت و موازنه قدرت در خاورمیانه با حضور ایران شکل خواهد گرفت. این افق را می‌بینم، دیر و زود دارد؛ اما اگر تن ندهیم، تغییر قهری و از بیرون مدیریت خواهد شد و حتما به زیان ایران خواهد بود.

صادق ملکی: ما اصولاً به روایت‌های خوش‌بینانه اعتقاد داریم و تاریخ درخشان‌مان باعث می‌شود بسیاری از نقص‌ها را نبینیم. جسارت پذیرش شکست را نداریم. اگر این جسارت را پیدا کنیم، می‌توانیم تغییر ایجاد کنیم؛ در غیر این صورت شکست‌ها در ابعاد بزرگ‌تر تکرار می‌شوند. ما فکر می‌کردیم شرایط ۱۱-۱۲ سال پیش همچنان پابرجاست و روابط دوجانبه با ترکیه و روسیه منافعمان را تضمین می‌کند، در حالی که در جنگ، منافع بر اساس ظرفیت واقعی تعریف می‌شود.

یادداشت

آموزش؛ پیش‌نیاز توسعه

ادامه از صفحه اول

پس در این فرصت اندک، بایسته است از منظری دیگر آسیب‌شناسی توسعه را بازنمایی کرد که آن، با طرح دوباره پرسش‌هایی این‌گونه آغاز می‌شود: آیا نسل‌های گذشته برای توسعه‌خواهی و توسعه‌یابی ایران، به قدر کفایت یا لزوم آماده بوده‌اند؛ آن‌چنان که تناسب کل و جزء را در این سیر توسعه‌جویی بتوان یافت؟ و امروز که جهان مدرن با رویکرد فراگیری تکنولوژی‌های نوین به استقبال آینده رفته است، آنچه می‌آموزیم و فرزندان‌مان را به آموختن رهنمون می‌کنیم، برای «توسعه»ای که دلخواه ماست، شایسته و کافی است؟ و آیا مفهوم توسعه نیاز به بررسی دوباره براساس زمانه حاضر و آینده جهان مدرن ندارد؟ به گمان نگارنده، جدای از لزوم قطعی و نیاز مبرم به بازتعریف توسعه و اهداف و مفاهیم مرتبط با آن در قرن بیست‌ویکم، بازنگری در آموزش امری حیاتی است که در پی آن بازتعریف و نیز تحلیل صادقانه تاریخ توسعه ایران، لزومش را انکارنشدنی خواهد کرد. پرورش و تربیت فرزندان‌مان آن‌گونه باید باشد که آینده را بر پایه هر آنچه در واقعیت هست، ترسیم و برنامه‌پذیرتر از گذشتگان خود فراهم کنند؛ و نیز آن‌گونه بزرگ شوند که وجود پایه‌های بنیادین توسعه فردی را در نهان خود بیابند. رشدی که پیش‌شرط‌های توسعه جمعی را به ارمغان خواهد آورد و زیربنای مهیابودن انسان توسعه‌گرای قرن جاری خواهد بود. یادمان هست هنوز که تا امروز، همه ما و تمام نسل‌های پیش از ما، هیچ‌کدام تربیت‌شده برای زندگی، کار و مسئولیت‌پذیری‌های برنامه‌محور و متناسب با زمانه خود نبوده‌ایم یا لااقل نظام عمومی آموزش در ایران -از پیش از دبستان تا سطوح عالی- در این مهم ناموفق بوده است که مرور حتی سطحی تاریخ معاصر، هر تشکیکی را پاسخ‌گو خواهد بود و بدیهی است در بازنگری مسیر آموزش عمومی و تحصیلی در ایران دیروز و امروز، تأثیر شگفت‌انگیز دوران طلایی شش سال اول زندگی هر انسان -از بدو تولد تا زمان ورود به مقطع تحصیلی ابتدایی- در ایجاد زیربنای نوع شخصیت آینده، انکارنشدنی است و نظام یکپارچه آن در سطح ملی، نیازمند بازسازی و توجه دوباره است.

گاهی می‌توان این‌گونه اندیشید که شاید ساده‌ترین حرف‌ها، همان مهم‌ترین‌ها و تأثیرگذارترین‌هایشان باشد. پس بیراه نخواهد بود اگر تأملی دوباره کنیم بر این گزاره ساده که: «آموزش، پیش‌نیاز توسعه» است.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR

شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران
منطقه تهران

متن آگهی فراخوان تجدید مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) یک مرحله‌ای

متن آگهی مناقصه ۲۸ – ۱۴۰۴ | نوبت دوم

شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران، منطقه تهران در نظر دارد خدمات مورد نیاز خود را با شرایط ذیل و به صورت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(سامانه ستاد) تأمین نماید.
نشانی: تهران، خیابان کارگر شمالی، بالاتر از خیابان جلال آل احمد، بین کوچه یازدهم و دوازدهم، پلاک ۱۹۲۱، شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران، منطقه تهران، کد پستی ۱۴۳۹۷۳۳۱۱۱

شماره فراخوان در سامانه ستاد	۲۰۰۴۰۹۲۱۶۰۰۰۰۰۲۸
موضوع مناقصه	پروانه کار اجرای لوله کشی مسیر اصلی رفت و برگشت آبگرم و عایقکاری لوله ها از موتورخانه حرارت مرکزی تا ساختمان های انبار نفت ری- مرتبه سوم برگزاری
مبلغ برآورد	مبلغ ۱۱۶،۰۸۹،۹۷۲،۳۸۳ ریال بر مبنای فهارس بهاء سازمان برنامه و بودجه سال ۱۴۰۴ و فهرست بهاء صنعت نفت سال ۱۴۰۳ و قیمت روز بازار.
مبلغ تضمین	۵،۸۰۴،۴۹۸،۶۱۹ ریال
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	تضامین قابل قبول طبق آیین نامه تضمین معاملات دولتی مصوب ۹۴/۰۹/۲۲ (در صورت واریز نقدی رسید وجه امور مالی منطقه در پاکت الف ارائه گردد.) *(تضامین ارائه شده توسط بانکهای پاسارگاد و گردشگری و سپه و کارگزاران آنها، و ارائه هر گونه چک قابل قبول نمی باشد.)
تاریخ انتشار در سامانه ستاد	ساعت ۱۶:۰۰ روز دو شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۷
مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد	تا ساعت ۱۹:۰۰ روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۴
تاریخ بازدید	رأس ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۵
تاریخ جلسه توجیهی	رأس ساعت ۱۰ روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۶
مهلت زمانی ارسال پیشنهاد در سامانه ستاد	رأس ساعت ۱۹:۰۰ روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۸
شرایط متقاضیان	رعایت و بارگذاری کلیه مفاد مندرج در متن شرایط عمومی و برگشماری در اسناد مناقصه منتشر شده در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت الزامی می‌باشد.
تاریخ گشایش پاکات ارزیابی	از ساعت ۹ صبح روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۹
تاریخ گشایش پاکات الف، ب و ج	از ساعت ۹ صبح روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۱
تاریخ اعتبار پیشنهادات	سه ماه بعد از بازگشایی پاکات نرخ.

بدیهی است کلیه فرآیندهای برگزاری مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(سامانه ستاد) به نشانی www.setadiran.ir انجام می‌پذیرد و به پیشنهادهای خارج از سامانه هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه‌گران بایستی نسبت به ثبت نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضای الکترونیکی اقدام نمایند.
*اطلاعات تماس سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس : ۱۴۵۶ دفتر ثبت نام : ۸۸۹۶۹۷۳۷ - ۰۲۱ و فاکس ۸۸۹۵۵۹۵۳ -۰۲۱.
شناسه آگهی ۲۰۶۳۴۱۶
روابط عمومی منطقه تهران

آگهی مزایده عمومی ۱۱۱–۱۴۰۴

شرکت خمیرمایه والکل رازی (سهامی عام) در نظردارد ۱ دستگاه خودروی سواری به شرح جدول ذیل را از طریق مزایده عمومی شماره ۱۱۱- ۱۴۰۴ به اشخاص و پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید، لذا دعوت میگردد در صورت تمایل جهت شرکت در مزایده و ارائه پیشنهاد قیمت از تاریخ انتشار آگهی و حداکثرتا ۷ روز پس از آن(توزیع اسناد از مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۸ تا ۱۴۰۴/۰۹/۲۴)، پس از واریز نمودن مبلغ ۱،۰۰۰،۰۰۰ریال به حساب شماره ۰۱۰۳۱۰۶۴۳۵۰۰۲ بانک صادرات بنام شرکت خمیرمایه والکل رازی جهت دریافت اسناد به نشانی ذیل الذکر مراجعه نمایند:
اهواز کیلومتر ۳۵ جاده آبادان،جنب دعبل خزاعی،شرکت خمیر مایه والکل رازی،اداره بازرگانی داخلی، امور قراردادها، شماره تماس ۳۳۱۳۱۳۳۰-۰۶۱ و نمابر به شماره ۳۳۱۳۱۳۳۰-۰۶۱
دفتر تهران : خیابان سئول ، نرسیده به نیایش، نبش ۱۲ متری دوم ، پلاک ۹۲ ، منطقه ۱۹، کد پستی : ۷۳۷۹۳-۱۹۹۵۸ تلفن : ۱۳- ۸۸۶۷۳۸۱۱- ۰۲۱
توضیحات :
۱- سپرده شرکت در مزایده برابر است با ۱۰ درصد مبلغ پیشنهادی.
۲- سایت ویزیت الزامی و ساعت ۱۰ صبح روز چهار